

## واکوی روابط اقتصادی مسلمانان با یهود مدینه و مدیریت راهبردی رسول خدا ﷺ برای خودکفایی طی سال های اول و دوم هجری

حسین علی بیگی / دکترای تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور قشم و مدرس مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه  
hosainalibeigi@gmail.com  
hyousefifar@ut.ac.ir

شهرام یوسفی فر / استاد تاریخ دانشگاه تهران  
دریافت: ۹۷/۱۲/۲۰ - پذیرش: ۹۸/۴/۴

### چکیده

یکی از مسائل پیش روی مسلمانان پس از هجرت به مدینه، چگونگی تنظیم روابط اقتصادی با یهودیانی بود که به سبب تسلط بر اقتصاد مدینه مسلمانان را به شیوه های مختلف در تنگنا قرار دادند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که روابط اقتصادی مسلمانان با یهود مدینه در سال های آغازین هجرت چگونه بود و رسول خدا ﷺ برای کاهش سیطره یهود و رشد زیرساخت های اقتصادی مسلمانان چه راهبردی اتخاذ کردند؟ نتیجه حاکی از آن است که در سال های نخستین، مسلمانان وابستگی اقتصادی شدیدی به یهودیان داشتند؛ اما پیامبر ﷺ با تشویق های مکرر و بهره مندی از سازوکارهای مدیریتی، از جمله احیای زمین های بایر، کاشت درختان مثمر، رهاسازی و احیای منابع آبی، اعزام کاروان های تجاری به شام، کارآفرینی و تشویق به مشارکت اقتصادی، برپایی بازار مستقل و حاکم کردن قوانین اسلامی بر معاملات تجاری، توانست موقعیت اقتصادی مسلمانان را در برابر یهودیان ارتقا بخشد.

**کلیدواژه ها:** پیامبر ﷺ، یهود مدینه، روابط اقتصادی مسلمانان و یهودیان، خودکفایی مسلمانان، مدیریت راهبردی پیامبر ﷺ.

با تشکیل دولت شهر مدینه از سوی پیامبر ﷺ، مهم‌ترین مسئله فراروی دولت ایشان، رفع نیازهای معیشتی روزانه مسلمانان بود. با توجه به اینکه انصار خود به لحاظ اقتصادی شرایط مناسبی نداشتند، آمدن مهاجر می‌توانست این شرایط را بغرنج‌تر کند. در گام نخست، پیامبر ﷺ توانست با برقراری پیمان مؤاخات میان مهاجرین و انصار، علاوه بر برقراری پیوند عاطفی میان آنان، تا حدودی مشکلات اولیه اقتصادی آنان را - که یکی از آنها مسکن بود - برطرف کند؛ اما شکاف اقتصادی در جامعه نوظهور مسلمانان چشمگیر و شرایط آنان به‌حدی نامناسب بود که گاهی برای رفع گرسنگی روزانه، ادوات نظامی خود را نزد یهودیان به رهن می‌گذاشتند یا در بستان‌های آنان کارگری می‌کردند یا برای غلبه بر گرسنگی، بر شکم خود سنگ می‌بستند.<sup>۱</sup>

بنابراین راه برون‌رفت از این وضعیت نامساعد اقتصادی، تنها در گرو دست یافتن به منابع اقتصادی و مدیریت منابعی بود که پیش‌تر کنترل آن در دست یهودیان بود. براین‌اساس نقش مدیریت راهبردی در موفقیت را می‌توان در بیشتر حوزه‌های تلاش انسانی مشاهده کرد. نگاهی به جنگ و سیاست نشان می‌دهد موفقیت افراد، به‌ندرت نتیجه یک فرایند کاملاً تصادفی است و برتری موهبت مهارت‌ها و منابع، معمولاً عامل تعیین‌کننده نیست. راهبردهایی که بر مبنای چهار عنصر اهداف بلندمدت، درک عمیق محیط رقابتی، ارزیابی عینی منابع و پیاده‌سازی اثربخش‌اند، همیشه نقش مهمی ایفا می‌کنند. کسانی که این چهار عامل راهبردی را مدیریت کرده‌اند، افراد موفق بوده‌اند.<sup>۲</sup> از این‌رو مدیریت راهبردی، مدیریتی آینده‌نگر، بلندمدت، یکپارچه، تحول‌گرا و بر مبنای شناخت محیط صورت می‌گیرد. این مدیریت پس از طی فرایند مربوطه، مدیریت راهبردی خاصی را تدوین می‌کند که با اجرا و نظارت بر آن، تحقق رسالت یا مأموریت را به بهترین وجه ممکن می‌سازد.<sup>۳</sup> بنابراین با توجه به روابط اقتصادی یک‌سویه‌ای که میان یهودیان و مسلمانان در نخستین سال‌های هجرت برقرار بود و در این روابط غالباً مسلمانان وابسته به اقتصاد یهودیان بودند، مدیریت راهبردی پیامبر ﷺ چگونه زمینه خودکفایی مسلمان را فراهم ساخت؟

با توجه به خلأ پژوهشی درباره وضعیت معیشتی و اقتصادی مسلمان از بدو ورود آنان به مدینه تا حادثه بازار بنی‌قینقاع، می‌تواند پژوهش مستقلی صورت گیرد و به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که روابط اقتصادی مسلمانان با یهود مدینه در سال‌های آغازین هجرت چگونه بوده و پیامبر ﷺ برای کاهش تسلط یهود و نیز رشد زیرساخت‌های اقتصادی مسلمانان چه راهبردی اتخاذ کردند؟

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. محمدبن اسماعیل بخاری، الصحيح البخاری، ج ۴، ص ۴۱؛ ابوعبدالله محمد ابن‌ماجه، السنن، ج ۳، ص ۵۱۳؛ احمدبن الحسین بیهقی، معرفة السنین و الاثار، ج ۶، ص ۱۹۷؛ محمدبن یوسف الصالحی الشامی، سبل الهدی و الرشاد، فی سیره خیر العباد، ج ۷، ص ۱۰۷؛ مسلم‌بن الحجاج قشیری النیسابوری، المسند الصحيح، ج ۳، ص ۱۶۱۴.
۲. رابرت. ام گرانت، مدیریت استراتژیک با رویکردی امروزی، ص ۲۹.
۳. ناصر شهلائی، مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح، ص ۱۰۱.

فرضیه این پژوهش بر این پایه استوار است که اقتصاد مدینه متکی به امور زراعی بوده و منابع اصلی آن، همچون چاه‌های پرآب، اراضی حاصلخیز، تجارت با یهودیان وادی القری و کنترل بر بازار مدینه، در اختیار یهودیان بود. مهاجرین نیز در این زمینه تخصص لازم را نداشتند. به همین دلیل مسلمانان به یهودیان وابسته بودند. در چنین شرایطی پیامبر ﷺ ناگزیر باید براساس الگوهای توسعه اقتصادی و اجتماعی، ابتدا زیرساخت‌های گسترش فعالیت‌های تولیدی اساسی در جامعه، خاصه در حوزه‌های کشاورزی و تجارت را فراهم می‌کرد؛ سپس در برابر اقتصاد یهودیان ساختاری اقتصادی تأسیس می‌نمود و زمینه‌های استقلال نظام اقتصادی مسلمانان را مهیا می‌کرد. در این پژوهش ابتدا روابط اقتصادی جامعه یهود و مسلمانان در سال‌های آغازین (دو سال نخست) و وضعیت بروز مشکلات در روابط دو طرف تبیین می‌شود؛ سپس سیاست‌ها و مدیریت راهبردی پیامبر ﷺ در راستای کنترل رفتارهای اقتصادی یهودیان در مدینه و رویکرد استقلال از آنان، بررسی می‌گردد.

درباره روابط اقتصادی مسلمانان با یهودیان مدینه و مدیریت راهبردی رسول خدا ﷺ برای خودکفایی طی سال‌های اول و دوم هجری، کتاب و مقاله مستقلی به چاپ نرسیده است. در آثار تألیفی جدید در زمینه حیات رسول خدا ﷺ نیز چندان به این موضوع توجه نشده است<sup>۱</sup> و آثار انتشار یافته، جسته و گریخته به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه، در کتاب *مکه و المدینه فی الجاهلیه و عهد الرسول ﷺ* (الشریف، بی‌تا)، ضمن بررسی حضور یهود در یثرب، به فعالیت‌های اقتصادی آنان پرداخته است؛ اما در خصوص روابط اقتصادی فی‌مابین و وضعیت معیشتی مسلمانان اطلاعاتی به دست نمی‌دهد. در پژوهشی با عنوان *مناسبات مسلمانان و یهودیان از رحلت پیامبر ﷺ تا سقوط امویان* (اختر جعفری، ۱۳۸۶) تنها به مناسبات سیاسی توجه داشته و در خصوص روابط اقتصادی مطلبی ارائه نکرده است. در پژوهش‌های دیگری با عناوین *سیره اقتصادی رسول خدا ﷺ* (حسینی، ۱۳۶۲) و *بررسی وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام* (طرفدار، ۱۳۶۹) نیز به این موضوع توجه نشده است.

در مدخل «مناسبات یهودیان و مسلمان» که در *Encyclopedia of the Bible* (۲۰۱۷) به چاپ رسیده، تنها به مناسبات سیاسی اشاره شده است. در مقاله «سیاست اسلامی در مورد یهودیان از دوران پیامبر اکرم تا پیمان‌نامه عمر» (کوهن، ۲۰۱۳)، تنها به مسائل سیاسی فی‌مابین پرداخته است. بنابراین نخستین تلاش درباره بررسی روابط اقتصادی یهودیان و مسلمانان و نزدیک‌ترین آثار به موضوع کنونی، مقاله «یهود مدینه، موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی» (خضری و احمدوند، ۱۳۸۶) و پایان‌نامه *موقف الرسول من یهود الحجاز، در اسسه تاریخیه منهجیه* (حسن یاسین، ۲۰۰۹) است که به صورت موجز و تنها به اقتصاد یهود مدینه در برخی از

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. برای نمونه، رک: رسول جعفریان، *سیره رسول خدا؛ یعقوب جعفری*، تاریخ اسلام از منظر قرآن؛ اصغر قائدان، تاریخ اسلام از میلاد پیامبر ﷺ تا ۴۱ هجری؛ غلامحسین زرگری‌نژاد، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)؛ اصغر منتظر قائم، تاریخ اسلام (تا چهلیم هجری)؛ مصطفی صادقی، پیامبر و یهود حجاز؛ عبدالله عبدالعزیز ابن‌ادریس، جامعه مدینه در عصر نبوی؛ محمدرضا جباری، سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم ﷺ.

بخش‌ها بسنده کرده‌اند؛ اما از وضعیت معیشتی مسلمانان و تدابیر و راهبردهایی که پیامبر ﷺ برای خودکفایی و استقلال وضعیت اقتصادی مسلمانان از یهودیان در عرصه‌های مختلف به کار بستند، سخنی به میان نیاورده‌اند. پژوهش پیش‌رو ابتدا به بررسی روابط اقتصادی طرفین در دو سال اول هجری می‌پردازد؛ سپس وضعیت زندگی روزمره، روابط فردی و اجتماعی - اقتصادی مسلمانان با یهودیان را بررسی می‌کند. برای پرکردن خلأ داده‌ها در منابع تاریخی در بحث وضعیت اقتصادی در سال‌های نخست هجری، از منابع حدیثی اهل تسنن استفاده شده است؛ امری که پژوهش‌های دیگر چندان به آن توجهی نکرده‌اند. بنابراین این پژوهش نخستین تلاش برای واکاوی و تبیین موضوع روابط اقتصادی مسلمانان با یهودیان مدینه و مدیریت راهبردی رسول خدا ﷺ برای خودکفایی طی سال‌های اول و دوم هجری است.

## ۱. حضور یهود در مدینه و روابط با اوس و خزرج

پراکندگی جغرافیایی یهودیان در مقایسه با پیروان دیگر ادیان الهی در سراسر شبه‌جزیره، نمود بیشتری داشت. یکی از مناطقی که مورد توجه یهودیان قرار گرفت، یثرب (مدینه) بود. بنا به گزارش منابع، عمالیق نخستین ساکنان یثرب بودند؛<sup>۱</sup> سپس یهودیان به این سرزمین آمدند. قبایل بنی‌هف، بنی‌سعد، بنی‌الاذرق، بنی‌مطروق (بنی‌مطرویل)، بنی‌قریظه و بنی‌نضیر که پس از وفات موسی بن عمران و پیش از قبیلۀ ازد و پراکنده شدن و تخریب سد ارم و اوس و خزرج، در یثرب اقامت گزیدند.<sup>۲</sup> زمانی که اوسیان و خزرجیان به یثرب آمدند، یهودیان دارایی‌ها، خانه‌ها و نخلستان‌های شهر را در اختیار داشتند و از نظر عدّه و عدّه قوی‌تر از آنان بودند.<sup>۳</sup>

بخشی از قبایل یهودی، از جمله بنی‌قصیص، بنی‌ناغصه، و بنی‌انف در قبا ساکن بودند.<sup>۴</sup> بنی‌قیتعاع، بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌بهدل (هدل)، بنی‌محر (محمحم) و بنی‌زغورا، بنی‌عوف، بنی‌عکریه (عکوه)، بنی‌مرانه (مراهه)، بنی‌ثعلبه، بنی‌ماسکه، بنی‌زیدالات، بنی‌معاویه و بنی‌مرید، از دیگر قبایل یهودی بودند<sup>۵</sup> که در بخش‌های مختلفی از مدینه و اطراف آن ساکن بودند. با توجه به پراکندگی گسترده قبایل یهودی، به نظر می‌رسد یهودیان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی بر بیشتر شهر استیلا داشتند و بخش اعظمی از ساکنان را شامل می‌شدند. آنان دژهایی داشتند که هرگاه خطری آنها را تهدید می‌کرد، به آن پناه می‌بردند.<sup>۶</sup> از جمله این دژها در مدینه، دژی است که طایفه‌ای به نام بنی‌قمعه، از یهودیان بنی‌نضیر، در آن سکونت داشت.<sup>۷</sup>

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazhuḥesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. محب‌الدین ابوعبدالله ابن‌التجار، الدرّة الثمینیة فی أخبار المدینة، ص ۲۷؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۳۴۳.
۲. همان، ص ۳۴۳؛ علی بن عبدالله سمهودی، خلاصة الوفا بأخبار دارالمصطفی، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷.
۳. محب‌الدین ابوعبدالله ابن‌التجار، الدرّة الثمینیة فی أخبار المدینة، ص ۳۰.
۴. علی بن عبدالله سمهودی، خلاصة الوفا بأخبار دارالمصطفی، ج ۱، ص ۱۳۰؛ محب‌الدین ابوعبدالله ابن‌التجار، الدرّة الثمینیة فی أخبار المدینة، ص ۲۸.
۵. همان، ص ۲۸-۳۰؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۳۴۴.
۶. عزالدین علی بن ابن‌اثیر، الكامل، ج ۶ ص ۲۵۵.
۷. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۷۴.

اما اوسیان و خزرجیان - که منتسب به قبایل ازد و غسان بودند - به علت تخریب سد مآرب و حادثه سیل ارم، از یمن به این ناحیه مهاجرت کرده بودند.<sup>۱</sup> منازل اوسیان در جنوب یثرب (مدینه) و در جوار بنی قریظه و بنی نضیر بود و خزرجیان در جوار بنی قینقاع ساکن بودند.<sup>۲</sup> حیات اقتصادی، کشاورزی و تجاری مدینه در اختیار سه قبیله بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع بود و با بزرگان قریش نیز رابطه تجاری و اقتصادی داشتند.<sup>۳</sup>

ابن رسته یهودیان را «طبقه برتر و ثروتمند» مدینه معرفی می‌کند.<sup>۴</sup> اوسیان و خزرجیان بعد از تقویت قدرت خود و با یاری گرفتن از غسانیان شام، بر یثرب مسلط شدند و قدرت یهودیان را در هم شکستند.<sup>۵</sup> با وجود تسلط سیاسی اوسیان و خزرجیان بر مدینه، در آستانه ظهور اسلام بهترین و پربارترین زمین‌های زراعی در دست ساکنان «عوالی» مدینه - که بیشتر از یهودیان بودند - قرار داشت. در واقع، یهودیان صاحبان بیشترین نخلستان‌ها و اراضی کشاورزی بودند.<sup>۶</sup> آنان با حفر چاه و احداث منازل خود در کنار مزارع، زراعت خود را منحصر به مجمع‌القرای یثرب کرده، از وادی‌های اطراف به منزله چراگاه و شکارگاه استفاده می‌کردند.<sup>۷</sup>

## ۲. منابع اقتصادی یهود در مدینه

### ۲-۱. تجارت داخلی

از فعالیت‌های مردم مدینه که به موازات کشاورزی<sup>۸</sup> صورت می‌گرفت، تجارت بود و یهودیان مشارکت ویژه‌ای در این زمینه داشتند. به نظر می‌رسد که یهودیان اکثریت قریب به اتفاق سوداگران و معامله‌گران مدینه را تشکیل می‌دادند. مدینه در روزگار قدیم همیشه در مبادلات بازرگانی میان دو امپراتوری ایران و روم نقش میانجی و واسطه‌گری داشته است.<sup>۹</sup> به همین علت ساکنان مدینه در دو مسیر تجاری شام و یمن، از راه خشکی و دریا در تکاپو بودند. بنا به گزارش یعقوبی، یثرب تا دریای سرخ سه روز راه فاصله داشت.<sup>۱۰</sup> همین امر سبب رونق و شکوفایی تجارت دریایی ساکنان یثرب در طول سالیان متمادی شده بود؛ سرزمینی که خود دارای آب‌ها و

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazuhesh Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۳۴۵.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۸۱.

۳. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ علی اکبر فیاض، تاریخ اسلام، ص ۶۷.

۴. ابن رسته، اعلاق النفیسه، ص ۷۳.

۵. علی بن عبدالله سمهودی، خلاصة الوفا بأخبار دارالمصطفی، ج ۱، ص ۵۴۴.

۶. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۳۴۵؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۶.

۷. محمد حمیدالله، رسول اکرم در میدان جنگ، ص ۷۳-۷۵.

۸. کشاورزی و زراعت، یکی از منابع اصلی اقتصادی یهودیان بود که طی پژوهشی مستقل توسط علی بیگی و حسینی با عنوان «پیشه‌های یهودیان مدینه و مدیریت راهبردی پیامبر ﷺ (مطالعه موردی: عرصه زراعت و کشاورزی) بررسی شده و در فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم، زیر چاپ است.

۹. ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ص ۲۷.

۱۰. احمدین واضح یعقوبی، البلدان، ص ۱۵۱.

نخلستان‌های فراوانی بود؛<sup>۱</sup> اما از آنجا که زراعت و کشاورزی و گسترش باغات و نخلستان‌ها شغل اصلی مردم مدینه بود و زندگی اقتصادی آنان بدان وابستگی داشت، بیشترین تمرکز نیروی کار ساکنان، به‌ویژه یهودیان، به امور کشاورزی معطوف بود. از روایت منابع اسلامی چنین برمی‌آید که میان یهودیان با پیامبر ﷺ و صحابهٔ ایشان در امر مبادله کالا معاملات تجاری وجود داشته است.<sup>۲</sup> آنچه در مورد خصوصیات رفتاری یهودیان در امر تجارت گزارش شده، بیانگر حرص و طمع، مال‌دوستی و مال‌اندوزی آنان است، همچنین اشتغال آنها به موضوع ربا، زمینهٔ تسلط و کنترل آنان بر اقتصاد مدینه را فراهم کرده بود و چه بسیار از ساکنان مدینه در معاملات خود با یهود، اموال خود را از دست داده بودند.<sup>۳</sup> کالایی که در تجارت داخلی مبادله می‌شد، معمولاً محصولات کشاورزی و دام بود. ساکنان بادیه، اسب، شتر و گوسفند و فرآورده‌های لبنی و پشم و پوست را برای عرضه ارائه می‌کردند و بیشترین دادوستدها، میان اهل مدینه و اهل بادیه صورت می‌گرفت. در مقابل، یهودیان دست‌ساخته‌های خود از جمله ادوات نظامی، سپر و برخی از ابزارآلات کشاورزی تولیدی خود را به آنها می‌فروختند.<sup>۴</sup>

اگر بخواهیم شرایط حاکم بر تجارت مدینه را دریابیم، آیات قرآنی در این زمینه کمک شایانی می‌کنند. برخی از آیات بیانگر این هستند که فعالیت‌های تجاری در مدینه از سطح بالایی برخوردار بوده است.<sup>۵</sup> یهودیان بسیاری در عرصهٔ تجارت فعال بودند که یکی از آنان *ابن سنیئه*،<sup>۶</sup> فردی تاجرپیشه و لباس‌فروش بود.<sup>۷</sup> از دیگر تاجر یهودی که در خارج از مدینه معروف بود، می‌توان به *ابورافع سلام بن ابی‌الحقیق* اشاره کرد.<sup>۸</sup> اما به‌طور کلی شهرت تجارت در میان یهودیان مدینه از آن بنی‌قینقاع بود که هم تاجرپیشه و هم طلافروش بودند.<sup>۹</sup> و بازاری به‌نام بنی‌قینقاع در نزدیکی پل وادی بطحان در مدینه داشتند. *سمهودی* از این بازار به‌عنوان بازاری بزرگ<sup>۱۰</sup> یاد می‌کند.<sup>۱</sup> در بازار

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۲.
۲. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۴۳؛ جمال‌الدین ابوالفرج ابن جوزی، المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۴۹۳.
۳. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۰۳؛ جمال‌الدین ابوالفرج ابن جوزی، المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۴۹۳.
۴. احمدابراهیم شریف، مکه و المدینه فی الجاهلیة و عهد الرسول، ص ۲۲۹.
۵. بقره: ۲۸۳؛ جمعه: ۹-۱۱.
۶. برای اطلاع بیشتر، رک: میخائیل لکو، «ترور بازرگان یهودی ابن سنیئه بر اساس یک گزارش خانوادگی معتبر»، ص ۱۸۱-۱۹۵.
۷. عبدالملک ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۸۳؛ سلیمان بن موسی الکلاعی، الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله و الثلاثة الخلفاء، ج ۱، ص ۳۶۹؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۳۱۱.
۸. اسماعیل بن عمر ابن‌کنبر، البداية و النهایة، ج ۴، ص ۱۳۷؛ علی بن ابراهیم حلبی، السیره الحلییه، ج ۳، ص ۲۲۷.
۹. محمدبن ابی‌بکر ابن‌قیم الجوزیه، زادالمعاد، ج ۳، ص ۱۷۰.
۱۰. برای اطلاع از این بازار، رک: عمار خسروجردی، بازخوانی اصلاحات پیامبر ﷺ در بازار مدینه، ص ۹۰-۱۱۱؛ بدالرفیع رحیمی و علی غلامی فیروزجائی، بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی - دینی رسول خدا ﷺ در مدینه، ص ۷۱-۸۸؛ هدیه تقوی، شیوه‌های مدیریتی پیامبر ﷺ در همگرا کردن بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام، ص ۷-۲۶.

بنی قینقاع فعالیت‌های تجاری و جنب‌وجوش زیادی در زمینه خرید و فروش کالا صورت می‌گرفت؛ به‌طوری‌که صدای فروشندگان از دور شنیده می‌شد.<sup>۲</sup> آنچه در این بازار عرضه می‌شد، حاصل فعالیت‌های زراعی و پیشه‌وری بود که زمینه جلب اهل بادیه و شهرهای مجاور و همچنین کاروان‌ها و مسافران را به این بازار فراهم می‌کرد. یهودیان در خرید و فروش و تجارت مواد غذایی، همچون آرد و کشک نیز در مدینه فعال بودند. بنا به روایتی، امیرمؤمنان علی علیه السلام خواست از یک فرد یهودی یک دینار آرد بخرد؛ اما فرد یهودی وقتی فهمید که ایشان داماد پیامبر صلی الله علیه و آله است، از گرفتن پول امتناع کرد. در روایتی دیگر آمده است که فرزندان حضرت علی علیه السلام گرسنه بودند، بنابراین آن حضرت با یک دینار به بازار رفت و از یک یهودی مقداری آرد خرید.<sup>۳</sup> مسلمانان تا پیش از اخراج یهودیان بنی قینقاع، نیازمندی‌های خود را از بازار ایشان تهیه می‌کردند؛ چنان‌که عبدالرحمن بن عوف در آغاز مهاجرت مسلمانان به مدینه، به بازار بنی قینقاع رفت و مقداری کشک و روغن خرید.<sup>۴</sup>

یهودیان در برخی از حرفه‌های سودآور، همچون زرگری، اسلحه‌سازی و بانفدگی، فعالیت ویژه‌ای داشتند و شراب‌گیری و تجارت آن، از اختصاصات آنان بود. در تجارت و بازرگانی گندم، جو و خرما نیز از سایر ساکنان یثرب فعال‌تر بودند.<sup>۵</sup>

## ۲-۲. رباخواری

یهودیان با انواع ابزارها به توسعه اموال و دارایی‌های خود می‌پرداختند و در این زمینه هم حرص فراوانی داشتند. علل ثروتمندوزی آنان را باید در فعالیت‌های ویژه‌ای همچون رباخواری، احتکار، رهن، نسیه و خرید و فروش کالا دید. البته از نظر خود یهودیان، در معاملات آنان هیچ‌گونه عیب و نقصی تصور نمی‌شد.<sup>۶</sup> آنها اموال و دارایی خود را با ربای بالا به اعراب قرض می‌دادند و در برخی از معاملات تجاری خود مبنای فروش را براساس طلا با طلا، نقره با نقره و دینار با دینار قرار می‌دادند. این روش فقر ساکنان مدینه را به‌همراه داشت.<sup>۷</sup> یهودیانی که بر این مبنا معامله می‌کردند، چند برابر مال یا پولی را که قرض داده بودند، طلب می‌کردند و گاهی نرخ سود دریافتی چندین برابر اصل قرض بود. در روایتی که از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است، ایشان فرموده‌اند: معامله طلا با طلا ریاست، مگر اینکه همسنگ خودش باشد. نقره، خرما، جو نیز

۱. علی بن عبدالله سمهودی، خلاصة الوفا بأخبار دارالمصطفى، ج ۱، ص ۵۲۷.

۲. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۳۵۷.

۳. سلیمان بن الأشعث ابوداود، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۳۸؛ احمد بن حسین بیهقی، معرفة السنین و الاثار، ج ۶، ص ۳۳۰.

۴. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۵۲؛ ابوسعید الشاشی، مسند الشاشی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۵. ولفسون، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام، ص ۱۸.

۶. همان؛ احمدابراهیم الشریف، مکه و المدینة فی الجاهلیة و عهد الرسول، ص ۳۱۲.

۷. محمد بن ابی بکر ابن قیم الجوزیه، احکام اهل الذمة، ج ۱، ص ۱۸۴.

مشمول همین شیوه بودند.<sup>۱</sup> زمانی که مسلمانان موفق به ایجاد بازار مستقل از یهود شدند، همین معیار که رسول خدا ﷺ فرموده بودند، در معاملات اقتصادی مسلمانان مبنا قرار گرفته شد. یهودیان در معاملات و دادوستدهای خود، بیشتر ترجیح می‌دادند از طلا و نقره استفاده کنند؛ چنان که یک فرد یهودی دیناری به رسول خدا ﷺ داده پس همان را از رسول خدا ﷺ تقاضا کرد.<sup>۲</sup> آنچه در روابط اقتصادی یهودیان با اهل مدینه بسیار برجسته بود، این بود که پول را در قالب ربا به قرض می‌دادند.<sup>۳</sup> قرآن این رفتارهای یهود در باب رباخواری را مذمت کرده و آنان را به این دلیل که اموال مردم را به باطل می‌خورند، سرزنش نموده است.<sup>۴</sup> با وجود تأکید آیات قرآنی بر تحریم رباخواری و اعلام عذاب برای رباخواران، باز شاهد فعالیت‌های یهود در گرفتن ربا از مردم مدینه‌ایم. امری که ترویج معاملات ربوی در میان ساکنان مدینه را قوت می‌بخشید. البته خود اعراب نیز قبل از ظهور اسلام سابقه رباخواری داشتند؛<sup>۵</sup> اما نزول آیات مختلف قرآنی برای مقابله با این پدیده نابهنجار - که اساس جامعه مسلمانان را در معرض خطر وابستگی شدید اقتصادی قرار داده بود - باعث شد گروه‌های فرودست جامعه از این استثمار فاصله گیرند و مرز معاملات میان مسلمانان و یهودیان مشخص و متمایز شود؛ چراکه رمز رستگاری مؤمنان، پرهیز از پدیده رباخواری بوده است.<sup>۶</sup>

### ۲-۳. دلالی و احتکار

یکی دیگر از رفتارهای یهود در عرصه اقتصادی این بود که دلانان یهودی از ناآگاهی اهل بادیه در امور اقتصادی استفاده می‌کردند و کالاهای خود را با قیمت گزافی به آنها می‌فروختند که این روش موجب خسارت مالی و اقتصادی به اهل بادیه می‌شد. به همین علت، پیامبر ﷺ رفتار افرادی را که در عرصه اقتصادی بدین شیوه عمل می‌کردند، مذمت کرد.<sup>۷</sup> آنان همچنین کالا را پیش از رسیدن به بازار و شهر مدینه، از صاحبان کالا خریداری می‌کردند؛ سپس خود آن را به مدینه می‌آوردند و با قیمت‌های بسیار بیشتری به فروش می‌رسانند. از سوی دیگر، برخی محصولات را انحصاری و احتکار می‌کردند. پیامبر ﷺ در این زمینه از دو عمل نهی کردند: نخست به استقبال کاروان رفتن و دوم اینکه شهرنشین‌ها خرید و فروش (دلالی) کنند.<sup>۸</sup> پس آنچه در رفتارهای اقتصادی یهود در عرصه تجارت داخلی نمایان است، این است که آنها نقش واسطه را بین تولیدکنندگان بادیه‌نشین و مردم ایفا می‌کردند.

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazhuḥesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۶۸؛ ابوعبدالله محمد ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۸.

۲. علی بن ابراهیم حلبی، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۳۰؛ ابن عبدالحکم المصری، سیره عمر بن عبدالعزیز، ج ۲، ص ۶۷۸.

۳. ولفسون، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام، ص ۱۸؛ محمدالسید الوکیل، یرث قبل الإسلام، ص ۱۶۸.

۴. نساء: ۱۶۰.

۵. ولفسون، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام، ص ۱۸.

۶. آل عمران: ۱۳۰؛ بقره: ۲۵۷.

۷. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۹۲؛ ابوبکر ابی شیبه، المصنف فی الاحادیث الآثار، ج ۴، ص ۱۴۶.

۸. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۶۸؛ سلیمان بن الأشعث ابوداود، سنن ابی داود، ج ۵، ص ۳۱۹.



یکی از سیاست‌های یهود در مدینه، احتکار کالا بود تا بدین شکل سطح قیمت‌ها و تقاضاها بالا برود و آنها به راحتی بتوانند کالاهای مهم و راهبردی خود را با قیمت بالا عرضه کنند. در پی این عمل، سود سرشاری از فروش کالا نصیب آنان می‌شد. در مدینه فروش نسبه نیز رایج بود؛ بدین شکل که مردم ثمر خرماي خود را پیش فروش می‌کردند و اجناسی را می‌خریدند. همچنین رسول خدا ﷺ طعامی از یک یهودی به صورت نسبه خریداری کردند.<sup>۱</sup> اما بعد از خودکفایی مسلمانان، پیامبر ﷺ اصول و مبانی اقتصادی صحیح و معینی را برای این گونه معاملات بنیان نهادند؛ برای نمونه فرمودند: در معامله سلف، وزن و معیار سنجش باید معلوم باشد. در غیر این صورت، معامله‌ای که خارج از این چهارچوب شکل بگیرد، ربوی است.<sup>۲</sup> ثروت و فراوانی امکانات مالی یهود در مدینه، آنان را مورد توجه و نظر نیازمندان قرار داده بود و از این رهگذر معاملاتی به صورت رهن انجام می‌دادند. به طوری که پیامبر ﷺ کالایی (پیراهنی) را برای میسره از یک مرد یهودی خرید و برای خودش هم سی وسق جو در ازای رهن گذاشتن یک سپر آهنی، خریداری کرد.<sup>۳</sup> همچنین کعب بن اشرف یهودی - که پیامبر ﷺ کسانی را مأمور قتل وی کرده بود - شرط کرد در برابر طعامی که از وی طلب می‌کنند، چیزی به رهن بگذارند.<sup>۴</sup> از آنچه بیان شد، پرواضح است که یهودیان فعالیت‌های مختلفی را در عرصه اقتصادی انجام می‌دادند تا ثروت هنگفتی به دست آورند. آنان حتی گوشت و پیه حیوانات مردار و خوک را جمع می‌کردند و می‌فروختند.<sup>۵</sup> پیامبر ﷺ این عمل یهود را مذمت کردند و فرمودند: «خدا یهود را بکشد که پیه حرام را آب کردند و فروختند و پولش را خوردند».<sup>۶</sup>

#### ۴-۲. تجارت خارجی

در زمینه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی یهود، گزارش‌های موجود صورت روشنی از این فعالیت‌ها در سطح خارجی ارائه نمی‌دهند؛ اما به نظر می‌رسد که یهودیان در زمینه تجارت خارجی هم نقش ایفا می‌کردند. آنها در سکونت‌گاه‌های خود ایستگاه‌های تجاری مهمی را بر سر راه‌های تجاری حد فاصل یمن و شام برپا می‌نمودند؛<sup>۷</sup> امری که ما را به این باور می‌رساند که یهودیان بهره‌ فراوانی از تجارت در سطح خارجی داشته‌اند؛ چنان که یکی از تجار و بازرگانان یهود به نام *ابورافع خبیری* کاروان‌های تجاری خود را به شام اعزام می‌نمود و از آنجا پارچه‌های

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۷۷ و ۵۶.
۲. همان، ص ۷۵ و ۸۵.
۳. همان، ص ۵۶؛ محمد بن ابی بکر ابن قیم الجوزیه، أحكام أهل الذمة، ج ۱، ص ۵۵۱.
۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۸۹.
۵. محمد بن اسماعیل بخاری، الصحیح البخاری، ج ۳، ص ۸۲.
۶. همان؛ احمد بن علی ابویعلی، مسند ابی یعلی، ج ۴، ص ۱۴۶؛ ابوبکر ابی شیبه، المصنف فی الاحادیث الآثار، ج ۷، ص ۴۰۹.
۷. احمد ابراهیم الشریف، مکه والمدینه فی الجاهلیة وعهد الرسول، ص ۷۳؛ ولفسون، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام، ص ۱۸.

مختلفی وارد مدینه می‌کرد.<sup>۱</sup> در روایت دیگری آمده است که مردی یهودی به نام/ذنبه در مکه در حوزه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی زبانزد شده بود و این امر باعث خشم قریش شده و با وی دشمنی و عداوت می‌کردند.<sup>۲</sup>

بنابر آنچه گفته شد، می‌توانیم میزان نفوذ یهود و گستره نفوذ اقتصادی آنان را در جزیره العرب، به‌ویژه پیش از ظهور پیامبر ﷺ و اوایل دولت ایشان در مدینه، مشاهده کنیم؛ قدرتی که به خشم اعراب منجر شد؛ از این رو در حدود کردن این سلطه اقتصادی یهود، به‌ویژه در مدینه، برآمدند. برای نمونه رهبر خزرجیان، محمد بن نعمان بیاضی، در یکی از ایام جنگ‌های باعث، در حالی که قومش را آماده جنگ می‌کرد، چنین گفت: «به خدا سرم را نخواهم شست تا زمانی که شما را در منازل بنی قریظه و بنی نضیر بر آب گوارا و خرما می‌فرود نیآورم»<sup>۳</sup> و چه بسا این امر سبب شد اهل یترب از نیروی خارجی (غسانیان) برای دفع یهود یاری بگیرند.<sup>۴</sup>

## ۲-۵. دیگر فعالیت‌های اقتصادی یهود

یهودیان برای تأمین منافع مالی خود و ثروت‌اندوزی در عرصه تجارت، به فعالیت‌های مختلفی روی می‌آوردند که تجارت برده یکی از آنهاست؛ چنان‌که وقتی سلمان اسیر شد، توسط یک تاجر برده یهودی در وادی القریه فروخته شد و مرد یهودی دیگری به نام عثمان بن الشهل از طایفه بنی قریظه او را خرید.<sup>۵</sup> فروش بردگان در مدینه، توسط یهود و در جوار بازار بنی قینقاع صورت می‌گرفت؛ چنان‌که ابوسعید خدری ضمن روایتی به این موضوع اشاره کرده است.<sup>۶</sup> از دیگر فعالیت‌های تجاری یهود، بزازی و پارچه‌فروشی بود؛ چنان‌که عابسه ضمن روایتی به فروش پارچه توسط یهود اشاره می‌کند.<sup>۷</sup> آنها همچنین در فروش املاک و مستغلات و اراضی و خانه‌ها هم فعالیت داشتند.<sup>۸</sup>

## ۳. وضعیت اقتصادی مسلمانان در سال‌های آغازین هجرت و روابط اقتصادی با یهود

بنا به شواهد موجود تاریخی، در سال‌های آغازین هجرت، روابط اقتصادی و معاملات تجاری فراوانی میان مسلمانان و یهودیان بر مبنای خرید و فروش کالا به صورت نقد، نسیه و رهن در جریان بود؛ اما مشکلات و

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. حسین بن محمد بن حسن الذبیر بکری، تاریخ الخمیس فی احوال أنفس النقیس، ج ۲، ص ۱۲؛ محمد بیومی مهران، دراسات فی تاریخ العرب القدیم، ص ۳۸۳.
۲. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۷۳؛ ابوجعفر محمد بن حبیب، المنق فی أخبار قریش، ج ۹، ص ۹۰؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، فی سیره خیر العباد، ج ۱، ص ۲۶۳.
۳. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۷، ص ۸۱؛ احمد بن علی مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۹، ص ۱۸۷.
۴. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۷، ص ۳۰-۱۲۹؛ ولفنسون، مکه والمدینه فی الجاهلیة و عهد الرسول، ص ۱۷۷-۱۷۹.
۵. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۴۳؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۳۰۱.
۶. ابوبکر ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث الآثار، ج ۳، ص ۵۱۲.
۷. احمد بن حسین بیهقی، معرفه السنین والآثار، ج ۶، ص ۴۱؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۱۱۰.
۸. ابن حبان، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، ج ۱۱، ص ۸۲؛ ابوبکر ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۲، ص ۳۶۱.

بحران اقتصادی مسلمانان مدینه در برابر یهود، زمانی نمایان و تشدید شد که تعداد زیادی از مهاجرین از مکه به مدینه آمدند و در منازل انصار سکنا گزیدند.<sup>۱</sup> این رویداد می‌توانست سرآغاز وابستگی اقتصادی مسلمانان به یهودیان باشد. وضعیت وخیم اقتصادی مسلمانان را می‌توان در خلال آیات قرآن به‌خوبی مشاهده کرد.<sup>۲</sup> البته این شرایط نامناسب اقتصادی می‌توانست حاصل جنگ‌های طولانی مدت میان اوسیان و خزرجیان نیز باشد که پیامد آن، تخریب زیربناهای اقتصادی مدینه بود. به همین سبب، ورود مهاجرین نه تنها شرایط را بهبود بخشید، بلکه پریشانی وضعیت اقتصادی انصار را تشدید کرد؛ چراکه انصار محصولات زراعی را در حد ضرورت کشت می‌کردند؛ از سوی دیگر، مهاجرین مردمانی تجارت‌پیشه بودند و شناخت کافی از روش‌های کشت و زراعت در سطح وسیع را نداشتند. به همین علت، مسلمانان مجبور بودند بخش عمده‌ای از نیازهای روزمره خود را از طریق خرید از یهودیان برطرف کنند؛ چنان‌که پیامبر ﷺ از یک یهودی مقداری جو قرض گرفت و سپر خود را نزد وی به رهن گذاشت.<sup>۳</sup>

روابط اقتصادی مسلمانان با یهودیان، متقابل و در قالب خرید و فروش صورت می‌گرفت؛ اما وابستگی مسلمانان به یهودیان در سال‌های نخستین نمود بیشتری داشت. بنا به شواهد موجود، پیامبر ﷺ از یک مرد یهودی سی دینار قرض گرفته بود؛ اما مرد یهودی یک روز زودتر از موعد مقرر نزد پیامبر ﷺ آمد و طلب خویش را خواستار شد. پیامبر ﷺ هم به عمر بن خطاب فرمودند: روز بعد مرد یهودی را به فلان نخلستان ببر که روز اول میوه آن را پسندیده و خواسته او بوده است. اگر پسندید، از محصول آن یک مقدار و چند من هم به او بیشتر بدهد.<sup>۴</sup> نمونه دیگر اینکه امیرالمؤمنان علی علیه السلام با یک زرگر یهودی از بنی قینقاع وعده گذاشت که گیاه اذخر (گیاهی خوشبو و معطر) بیاورد و به او بفروشد تا هزینه مراسم ازدواج خود با حضرت زهرا علیها السلام را فراهم کند.<sup>۵</sup> این شرایط بدان جهت بود که مسلمانان مهاجر در سال‌های نخستین ورود به مدینه، هنوز در عرصه زراعت ورود پیدا نکرده بودند و نخلستان‌های انصار نیز کفاف نیازهای روزمره مسلمانان را نمی‌داد. بنابراین به نظر می‌رسد که مسلمانان برای رفع نیازهای روزمره خود هم با مشکل مواجه بودند و مجبور بودند از یهودیان قرض بگیرند یا برای آنان کار کنند؛ چنان‌که فردی به نام ابو شحیم یهودی یک بار خرما از پدر جابر بن عبدالله طلبکار بود که فرزندش در موعد مقرر ادا کرد.<sup>۶</sup> در روایتی دیگر آمده که پیامبر ﷺ با گرسنگی مواجه بود. خبر آن به حضرت

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. احمدابراهیم الشریف، مکه والمدینة فی الجاهلیة و عهد الرسول، ص ۲۹۵.

۲. حشر: ۹.

۳. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۴۱؛ احمد بن حنبل، مسند الإمام احمد بن حنبل، ج ۱۹، ص ۳۶۰؛ ابوعبدالله محمد ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۵۰۵.

۴. محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۵۰.

۵. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۶۰؛ عبدالحی کتانی، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ص ۳۵۵.

۶. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ص ۲۹۹.

علی علیه السلام رسید. ایشان هم برای جست‌وجوی کار، به بستان یک یهودی رفت و برای وی هفده سطل آب از چاه کشید و در ازای هر سطل، خرمایی دریافت کرد. شخص یهودی به حضرت علی علیه السلام فرصت انتخاب هفده دانه خرمای عجوه داد. پس حضرت علی علیه السلام خرماها را گرفت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت.<sup>۱</sup>

در روابط اقتصادی میان مسلمانان و یهودیان، پرداخت بهای کالا به صورت نقد، قرض و رهن صورت می‌گرفت؛ اما آنچه بر این روابط تأثیر می‌گذاشت، این بود که اساس فعالیت‌های اقتصادی یهود مبتنی بر سود ربوی بود؛ به گونه‌ای که بعدها مسئله ربا یکی از عوامل تفکیک‌کننده روابط اقتصادی میان آنها شد.

نیازمندی مسلمانان در سال‌های نخستین به یهودیان، سبب شد تا آنان مورد تحقیر واقع شوند و یهودیان با زخم زبان، عداوت خود را با مسلمانان نمایان سازند. از طرفی، یهودیان گه‌گاه نزد مسلمانان می‌آمدند و به صورت حق به جانب اظهار می‌کردند: «بی‌جهت پول‌های خود را در راه دین مصرف نکنید. می‌ترسیم که شما فقیر و تهی دست شوید؛ خصوصاً که نمی‌دانید سرانجام این کار چیست و به کجا خواهد انجامید».<sup>۲</sup> این رفتار یهودیان مجادلاتی را در پی داشت که نمونه آن نزاع میان ابوبکر و فُتْحاص یهودی بود که ابوبکر به صورت وی سیلی زد.<sup>۳</sup>

یکی دیگر از روش‌های یهود برای در تنگنا قرار دادن تازه‌مسلمانان این بود که گروهی از آنان با خودداری از پرداخت طلب‌ها یا امانت‌هایی که در ذمه آنان بود، تازه‌مسلمانان را تحت فشار قرار می‌دادند و می‌گفتند: حقوقی که شما بر ما داشتید، مربوط به پیش از اسلام آوردن شما بود؛ حال که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده‌اید، حقوقتان از بین رفته است؛ و آنان در این زمینه هیچ‌گونه احساس مسئولیتی نداشتند.<sup>۴</sup> در مقابل این رفتار یهود، پرداخت بدهی‌های مالی (دیون) مسلمانان به یهود در موعد مقرر، همیشه مورد توجه پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ چنان‌که در جریان کوچ بنی‌نضیر به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان به آن حضرت گفتند: ای پیامبر! شما دستور به اخراج ما دادی، در صورتی که طلب و دیون ما پرداخت نشده است. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند در پرداخت طلب و ادای قرض یهود شتاب شود.<sup>۵</sup> سخت‌گیری‌های یهودیان در طلب مال خود از مسلمانان به گونه‌ای بود که گاهی اوقات مسلمانان را مجبور می‌کردند برای ادای قرض‌هایشان، لباس‌هایشان را بفروشند؛ چنان‌که ابی‌حدود/سلمی بر اساس اصرار یک فرد یهودی به پرداخت بدهی مالی‌اش، باید لباسش را می‌فروخت. به همین سبب وی به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله هم در ازای پرداخت چهار درهم، مانع این کار فرد یهودی شد.<sup>۶</sup> گاهی اوقات یهودیان حتی از

Tāriḥ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. ابوعبدالله محمد ابن‌ماجه، السنن، ج ۳، ص ۵۱۳؛ احمدبن حسین بیهقی، معرفة السنین و الاثار، ج ۶، ص ۱۹۷.
۲. عبدالملک ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۷۰.
۳. همان، ص ۳۶۹؛ ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی، الروض الانف، ج ۴، ص ۳۶۳.
۴. آل‌عمران: ۷۵.
۵. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۲۹؛ احمدبن حسین بیهقی، معرفة السنین و الاثار، ج ۲، ص ۲۸۵.
۶. ابن حجر عسقلانی، اصابه فی التمییز الصحابه، ج ۴، ص ۴۹؛ ابوالقاسم علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۲۷، ص ۴۴۳؛ عزالدین بن علی ابن‌اثیر، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۲۱۱.

پرداخت کالای خود به صورت نسیه نیز خودداری می‌کردند؛ چنان‌که پیامبر ﷺ خواست از یک تاجر یهودی دو پیراهن به صورت مسیه بگیرد؛ اما تاجر یهودی درخواست پول نقد نمود و خواسته رسول خدا ﷺ را رد کرد.<sup>۱</sup> یهودیان برای کسب درآمد، حتی ظروف طلا و نقره خود را به ساکنین مدینه و مکه امانت می‌دادند. بنا به گزارش ابن‌سعد، زمانی که کثانه، همسر صفیه، در جریان جنگ خیبر اسیر شد، پیامبر ﷺ از وی پرسید: ابزار و ظروف زرین شما که به مردم عاریت می‌دادید، کجاست؟<sup>۲</sup> این روایت بیانگر آن است که یهودیان در تمامی عرصه‌های اقتصادی، حتی عاریت دادن ظروف طلا و دیگر ابزارآلات به‌عنوان منابع درآمد مالی، فعالیت داشتند.

در خلال روابط اقتصادی که میان یهودیان و مسلمانان برقرار بود، گاهی اوقات درگیری‌هایی هم رخ می‌داد. روایت‌های فراوانی مبنی بر منازعه، کشمکش و نزاع‌هایی میان مسلمانان و یهودیان در بازار بنی‌قینقاع در دست است.<sup>۳</sup> چنان‌که ابن‌هشام روایت کرده است، زیدبن لصیت یهودی در بازار بنی‌قینقاع با عمر بن خطاب به زدوخورد پرداخت.<sup>۴</sup> با این حال این برخوردها در سال‌های نخست سبب نشد مسلمانان از تردد و معامله در بازار بنی‌قینقاع پرهیز کنند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ در این بازار حضور پیدا می‌کرد؛<sup>۵</sup> چراکه این بازار از مهم‌ترین مراکز تجاری در شهر مدینه بود و اهمیت آن به‌گونه‌ای بود که بعد از جنگ بدر، پیامبر ﷺ یهودیان را در آن گرد آوردند و آنان را از همبستگی با کفار برحذر داشتند و عاقبت کارهایشان را به آنان یادآوری کردند.<sup>۶</sup> با توجه به آنچه بیان شد: از بدو ورود مهاجرین به مدینه و سال‌های آغازین تشکیل دولت توسط پیامبر ﷺ، مسلمانان مهاجر به سبب ترک خانه و کاشانه خود، و گروه انصار هم به دلیل رقابت‌های قبیله‌ای، به‌ویژه وقوع جنگ بعاث میان اوس و خزرج در سال‌های پیش از آن - که به تخریب بنیان‌های اقتصادی آنها در مدینه منجر شده بود - نتوانسته بودند در اقتصاد مدینه حضور فعال و مؤثری داشته باشند. همین امر سبب وابستگی آنان شده بود و یهودیان هم از این فرصت استفاده کرده و با قرض دادن کالای خود و درخواست بازپرداخت‌های هنگفت و سنگین، زمینه فقر روزافزون مسلمانان را فراهم ساخته بودند و بنا به آیات قرآنی، اموال مسلمانان را به باطل می‌خوردند.<sup>۷</sup>

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. ابوعبدالرحمن نسائی، السنن الکبری، ج ۶ ص ۶۵؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۲، ص ۵۰۹.
۲. محمد ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۱۰.
۳. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۵۹؛ مسلم بن الحجاج قشیری النیسابوری، المسند الصحیح، ج ۴، ص ۱۸۴۳.
۴. عبدالملک ابن‌هشام، ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۵۵.
۵. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۶۶؛ مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری، المسند الصحیح، ج ۴، ص ۱۸۸۲.
۶. ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۶۵؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۹۹۷.
۷. آل‌عمران: ۷۵.

#### ۴. راهبردهای رسول خدا ﷺ برای خودکفایی اقتصادی مسلمانان

یهودیان در مقایسه با مسلمانان توانمندی اقتصادی بسیار بالایی داشتند. شاهد این مدعا این است که وقتی مخیریق (از طایفه بنی نضیر) اسلام آورد و در جنگ اُحد به شهادت رسید، اموالی که از وی به جای ماند، شامل هفت محوطه نخلستان خرما بود<sup>۱</sup> که دارایی فراوانی به شمار می‌رفت.

براساس آنچه بدان پرداخته شد، آشکار گردید که در سال‌های اولیه، اقتصاد مدینه در کنترل و تسلط یهودیان بود و آنان به روش‌های مختلف، دارایی‌های مسلمانان را از آن خود می‌کردند. همچنین تمام تلاش و عملکرد اقتصادی آنان در جهت استثمار ساکنین مدینه متمرکز شده بود. این امر افزایش فزاینده ثروت آنان و فقر و پریشانی اوضاع اقتصادی مسلمانان را در پی داشت. به همین سبب، پیامبر ﷺ درصدد برآمد راهبردهایی در جهت خودکفایی و رشد زیرساخت‌های اقتصادی مسلمانان و ایجاد یک اقتصاد کاملاً مستقل اتخاذ کند؛ چراکه اقتصاد مسلمانان در سال‌های نخستین بسیار شکننده و وابسته به یهودیان بود. مهم‌ترین اقداماتی که پیامبر ﷺ در این زمینه به کار بستند، عبارت بود از:

#### ۴-۱. برپایی بازار مستقل از یهودیان

جایگزینی بازار، از مهم‌ترین راهبردهای مدیریتی پیامبر ﷺ بود تا بدین شیوه مسلمانان وابسته به بازار بنی قینقاع نباشند و از احتکار کالا توسط یهود و تسلط اقتصادی آنان جلوگیری کند. یهودیان بازارهای مهم دیگری به جز بازار بنی قینقاع هم در اختیار داشتند که از آن میان می‌توان به بازار حُباشه که مرکز دادوستد و تجارت بود، اشاره کرد.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد فعالیت گسترده تجاری یهود در این بازارها سبب شد که پیامبر ﷺ در منطقه «بقیع غرقد» در شرق مسجدالنبی اقدام به برپایی بازاری کند<sup>۳</sup> و چه بسا پیامبر ﷺ با این کار می‌خواست تجارت را از قبضه یهود درآورد و با آنان به رقابت تجاری بپردازد؛ چراکه بیشتر مهاجرین از تجار قریش بودند. شاید هم برای رهایی جامعه از برخی حرفه‌ها و پیشه‌هایی بود که با ارزش‌های اسلامی تعارض داشت. یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های بازار تأسیسی پیامبر ﷺ در مقایسه با بازار یهودیان، این بود که در این بازار از هیچ کسی حقی ضایع نمی‌شد و پیامبر ﷺ خود بر بازار نظارت داشت. از طرفی، مالیاتی هم از فروشندگان کالا در این بازار گرفته نمی‌شد.<sup>۴</sup> ارائه این تسهیلات و سیاست‌هایی که پیامبر ﷺ در این زمینه در پیش گرفتند، برای این بود که بازار مسلمانان توان رقابت با یهودیان و فائق آمدن بر چالش‌های فراوری خود را داشته باشد. این امر، هم به توانمندی بازاریان

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی، الروض الأنف فی شرح السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۹؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۴، ص ۴۱؛ ابن حجر عسقلانی، اصابة فی التمییز الصحابه، ج ۶ ص ۴۶.

۲. عمر ابن شهبه، تاریخ المدینة المنورة، ص ۲۸۹.

۳. علی بن عبدالله سمهودی، خلاصة الوفا بأخبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۲۲۶.

۴. عمر ابن شهبه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۳۰۴؛ ابوعبد الله محمد ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۳۴۴؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷.

مسلمان کمک می‌کرد و هم خریداران در این بازار با خیالی آسوده می‌توانستند کالای مورد نیاز خود را تهیه کنند و نگران کم‌فروشی، گران‌فروشی و غش در معامله - که از خصایص فروشندگان یهود بود - نباشند. پیامبر ﷺ این بازار را به‌عنوان صدقه به مسلمانان بخشید. این بازار احداثی با اقبال عمومی ساکنان مدینه روبه‌رو شد. این بازار، با اینکه در نزدیکی بازار بنی‌قینقاع ساخته شده بود،<sup>۱</sup> مورد توجه تجار داخلی و خارجی قرار گرفت. علت توجه به این بازار این بود که بازار در مکانی مناسب در ورودی شهر مدینه و در مسیر راه شام، یمن و مکه قرار داشت و مسلمانان هم به‌راحتی به این بازار دسترسی داشتند و بازدیدکنندگان از سختی‌های گذرگاه‌هایی که به بازار بنی‌قینقاع منتهی می‌شد، به‌دور بودند.<sup>۲</sup> مکان بازار ابتدا در نزدیکی بازار بنی‌قینقاع بود که سبب خشم یهودیان شد؛ چنان‌که کعب بن‌اشرف یهودی داخل بازار می‌شد و طناب سایه‌بان‌ها را قطع می‌کرد. رسول خدا ﷺ نیز به‌ناچار چون نمی‌خواستند از موضع خشم و عصبانیت برخوردار کنند، بازار را به مکانی دیگر در مدینه انتقال دادند.<sup>۳</sup> بدون شک، ایجاد بازار توسط پیامبر ﷺ برای مبارزه با سلطه اقتصادی و استثمار یهودیان و جلوگیری از گران‌فروشی، احتکار و معاملات ربوی آنان بود. از سوی دیگر، به بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مسلمانان کمک شایانی می‌کرد؛ چراکه بازار احداثی مسلمانان یک تفاوت اساسی با بازار یهود داشت و آن حاکم بودن روح شریعت اسلامی و قوانین مبتنی بر وحی بود.

## ۴-۲. رهاسازی و احیاء منابع آبی

یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه انسانی دسترسی به آب تمیز است. رشد روزافزون جمعیت مسلمانان در مدینه و گسترش و توسعه کشاورزی آنان، برنامه‌ریزی و مدیریت کارآمدی طلب می‌کرد؛ چراکه دستیابی به تعادل نسبی در زمینه عرضه و مصرف آب، یک اصل اساسی و ضروری برای مدیریت جامعه تحت حاکمیت پیامبر ﷺ بود. بنا بر این ضرورت، پیامبر ﷺ برای تحقق اهداف بلندمدت خود باید به منابع آبی‌ای که حیات جامعه مسلمانان مدینه بدان وابسته بود، دست می‌یافت؛ چراکه بیشتر چشمه‌ها و چاه‌های پرآب مدینه در اختیار یهودیان بود. از این‌رو دستیابی به منابع آبی مهمی که یهودیان در اختیار داشتند، یکی از برنامه‌ها و اهداف راهبردی پیامبر ﷺ شد. از جمله آنها چاه رومه بود که در تملک یک یهودی قرار داشت و مسلمانان از وی آب خریداری می‌کردند. این چاه منبع آب مهمی برای مسلمانان به‌شمار می‌رفت و مسلمانان به‌وسیله آن سیراب می‌شدند.<sup>۴</sup> بنابراین پیامبر ﷺ فرمودند: «هرکس اقدام به خرید چاه رومه کند، خداوند او را می‌بخشد».<sup>۵</sup> این توصیه و تشویق پیامبر ﷺ سبب شد تا عثمان بن عفان با

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. علی بن عبدالله سمهودی، خلاصة الوفا بأخبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲. ابن‌ادریس، مجتمع المدینة فی عهد الرسول، ص ۲۰۹.

۳. همان.

۴. احمدین حنبل، مسند الامام احمدین حنبل، ج ۱، ص ۵۳۵.

۵. ابوبکر ابی‌شیبہ، المصنف فی الاحادیث الآثار، ج ۶، ص ۳۵۹.

پرداخت ۳۵ هزار درهم آن را خریداری کند.<sup>۱</sup> مردم بعد از اینکه چاه آب خریداری شد، از آب آن نمی‌نوشیدند، مگر اینکه هزینه آن را پرداخت کنند. هزینه به دست آمده هم به فقرا و ابن سبیل اختصاص می‌یافت.<sup>۲</sup>

### ۳-۴. تنظیم معاملات تجاری براساس قوانین اسلامی

موضوع بازار، خودکفایی و رفع وابستگی به یهود، دوری از هرج و مرج و نظارت بر شرایط فروش کالا، از مهم‌ترین مسائلی بود که مورد توجه پیامبر ﷺ قرار گرفت. این توجه پیامبر ﷺ به بازار باعث شد در دوران بعد بخشی از کتب فقهی به مسائل بازار اختصاص یابد و بابتی تحت عنوان «باب الیوع» که شامل دستورات پیامبر ﷺ در زمینه فروش کالا میان مسلمانان و یهودیان و سایر ادیان و ممنوعیت‌هایی در زمینه فروش برخی کالاها بود، در کتب فقهی گنجانده شد.<sup>۳</sup> تمام تلاش‌های پیامبر ﷺ در راستای کنترل قیمت‌ها، جلوگیری از احتکار و غش در معامله، فروش خرما قبل از به ثمر رسیدن، ممانعت از تقلب و کم‌فروشی، نظارت بر اوزان و مقادیر، و نهی از معاملات مبتنی بر ربا بود.<sup>۴</sup> براساس گزارش منابع تاریخی، بعد از هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه، مهم‌ترین موضوعی که مورد توجه ایشان قرار گرفت، تأسیس مسجد و پس از آن برپایی بازار بود که اهمیت زیادی داشت. در واقع، برپایی بازار برای جلوگیری از رسوخ معاملات مبتنی بر ربا که یهودیان بدان مبادرت داشتند، بود. پیامبر ﷺ با نظارتی که بر بازار داشتند، قوانین نوین اسلامی را که مانع از احتکار کالا و غش در معامله می‌شد، جاری می‌کردند.

در دولت جدید پیامبر ﷺ، مناسبات اقتصادی مبتنی بر قوانین شریعت اسلامی بود. این امر تغییراتی در شیوه تجارت با یهود - که بخش عمده اقتصاد آن مبتنی بر ربا بود - ایجاد کرد و سبب شد اقتصاد یهود با چالش‌هایی مواجه شود. در واقع، اتخاذ این راهبرد اقتصادی از سوی پیامبر ﷺ سبب موضع‌گیری و برانگیخته شدن یهودیان گردید که با حادثه بازار بنی‌قینقاع، به اوج اختلاف و بروز جنگ رسید.

### ۳-۴. کارآفرینی و تشویق به مشارکت اقتصادی

کارآفرینی برای توسعه اقتصادی جوامع به‌عنوان یکی از ارزان‌ترین ابزارها با بهترین نتیجه و بیشترین کارایی مطرح‌اند<sup>۵</sup> از سوی دیگر، فرد کارآفرین، نوآور، خلاق و مسئولیت‌پذیر است. کارآفرینان با ویژگی خلاقیت، براساس فرصت‌ها در زمان‌های مناسب قادرند محصولی جدید یا خدماتی نو به جامعه ارائه کنند. حال باید دید پیامبر ﷺ در این عرصه چگونه عمل کرده است.

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۰۹؛ احمدبن حسین بیهقی، معرفة السنین و الاثار، ج ۶، ص ۲۷۶.

۲. علی بن عبدالله سمهودی، خلاصة الوفا بأخبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۴۴۰.

۳. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۵۳؛ مسلم‌بن الحجاج قشیری النیسابوری، المسند الصحیح، ج ۳، ص ۱۱۵۱.

۴. عمر ابن شبه، تاریخ المدینة المنورة، ص ۱۸۲-۱۸۱؛ بقره: ۲۷۵؛ ابن‌ادریس، مجتمع المدینة فی عهد الرسول، ص ۲۱۱-۲۱۴.

۵. سیدمحمدرضا سیدنورانی و رضا وفایی یگانه، فرهنگ کارآفرینی، ص ۶۸.



تمامی تلاش پیامبر ﷺ در جهت مشارکت حداکثری مسلمانان در عرصه اقتصادی مدینه بود؛ به گونه‌ای که تسهیلات مختلفی برای ورود مسلمانان و افزایش سهم آنان در اقتصاد مدینه، به‌ویژه در فعالیت‌های زراعی، از طریق احیای زمین‌های بایر فراهم نمود؛<sup>۱</sup> سپس از طریق به اقطاع دادن اراضی کشاورزی، به توسعه اقتصادی جامعه مدینه نیز کمک کرد.<sup>۲</sup> از سوی دیگر، پیامبر ﷺ تأکید داشت که مسلمانان باید از دسترنج خود بهره ببرند؛ همان گونه که داود نبی ﷺ حاصل دسترنج خود را می‌خورد.<sup>۳</sup> بر اثر تشویق‌های پیامبر ﷺ - که بیشتر بر فعالیت‌های کشاورزی متمرکز بود - گروه مهاجرین در توسعه اقتصادی مدینه، به‌ویژه کشت گندم مشارکت فعالی پیدا کردند؛ چنان که طلحة بن عبدالله نخستین کسی بود که به کشت گندم در دره‌های شمال مدینه مبادرت ورزید. وی به‌وسیله بیست شتر آبکش، در این اراضی که همگی ظرفیت پرورشی بالایی داشتند، این کار را به انجام می‌رساند.<sup>۴</sup> این بهبود و پیشرفت در امر کشاورزی مدینه، مرهون تلاش و کار عده بسیاری از مهاجرین در امور زراعی بود که با به‌دست گرفتن اراضی وسیعی از جمله دره بطحان و سرزمین غابه در شمال غربی مدینه و قطع درختان گز این نواحی، به توسعه کشاورزی و کاشتن نخل به‌جای آن و گندم در سرزمین قناه اقدام کردند. در حوزه بازرگانی هم این گروه از مهاجرین به‌صورت تخصصی ورود پیدا کردند؛ به‌طوری‌که افراد مشهوری از اهل مکه توانستند در مدینه به امر تجارت روی بیاورند؛ از باب نمونه، عثمان بن عفان در خرید، فروش، تجارت و حمل کالا به بازار بنی‌قینقاع نقش داشت.<sup>۵</sup> توصیه‌ها و تأکیدات پیامبر ﷺ در جلب مشارکت مهاجرین و روی آوردن آنان به امر تجارت نیز مؤثر بود؛ چراکه رسول خدا ﷺ تجارت را مقدس می‌دانستند و تأکید داشتند «کسی که به‌سوی بازار روی می‌آورد، به‌مانند مجاهدی است که در راه خدا گام برمی‌دارد. هر کسی که کالا را در بازار احتکار کند، به‌مانند ملحدی است که در کتاب الهی آمده است».<sup>۶</sup> براین‌اساس، عثمان بن عفان خرما را در حجم‌های بالا به بازار بنی‌قینقاع می‌آورد و به فروش می‌رساند.<sup>۷</sup> در واقع، همین فعالیت‌های تجاری بود که سبب افزایش توانمندی مالی مهاجرین شد. عبدالرحمن بن عوف نیز در تجارت دارای شهرت بود. بنا به گزارش ابن‌عبدالبر، وی فردی پرکار در عرصه تجارت و صاحب دارایی و ثروت فراوان، از جمله

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. مالک بن انس، موطا، ج ۲، ص ۴۶۶؛ محمد بن ادریس شافعی، المسند، ج ۱، ص ۲۴۴.
۲. ابن‌ادریس، مجتمع المدینه فی عهد الرسول، ص ۲۰۴.
۳. محمد بن اسماعیل بخاری، الصحيح البخاری، ج ۳، ص ۵۷.
۴. محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۹۰.
۵. احمد بن حسین بیهقی، معرفة السنین و الاثار، ج ۵، ص ۵۱۴؛ ابن‌عبدالحمک المصری، سیره عمر بن عبدالعزیز، ص ۲۶۳؛ احمد بن ابی‌بکر بن اسماعیل بوسیری، إتحاف الخیره المهره، ج ۳، ص ۲۹۷.
۶. ابوعبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۵؛ ابراهیم بن علی برهان‌الدین الیغمری، تبصرة الحکام، ج ۴، ص ۹۷.
۷. احمد بن حسین بیهقی، معرفة السنین و الاثار، ج ۵، ص ۵۱۴.

هزار شتر، سه هزار گوسفند و صد اسب بود که در اطراف بقیع چرا می‌کردند.<sup>۱</sup> وی در جرف هم برای کشاورزی از بیست شتر آبکش استفاده می‌کرد.<sup>۲</sup> همچنین در زمینه تجارت، با شام در ارتباط بود؛ به طوری که یکی از کاروان‌ها تنها دارای پانصد شتر با انواع کالای گران بها جهت تجارت با مدینه بود.<sup>۳</sup> بدون تردید، ساکنین مدینه دارای این گونه تجار بودند که در امر تجارت فعالیت داشتند و توانستند در جهت راهبردهای اقتصادی پیامبر ﷺ گام بردارند و مانع از احتکار کالا توسط یهودیان شوند. پیامبر ﷺ نیز با مدیریت کارآمد خود توانستند به تدریج کنترل اقتصاد بازار را در دست بگیرند و بعد از اخراج یهود از مدینه، این تسلط کامل شد و آنچه از ادوات کشاورزی و همچنین زمین‌های زراعی بود، از آن مسلمانان گردید و آن را میان مهاجرین تقسیم کردند. در برخی از نواحی، همچون خیبر نیز از قبل محصول میان یهود و پیامبر ﷺ تقسیم می‌شد و روابط اقتصادی همچنان برقرار بود؛ اما دیگر این مسلمانان بودند که در عرصه اقتصاد مدینه و جزیره العرب پیشتاز بودند.

## ۵. اخراج یهود و تأثیر آن بر اقتصاد مدینه

بنا به نظر *ولفسنون*، اخراج یهود از مدینه موجب تخریب بنیان‌های اقتصادی و افول وضعیت اقتصادی مدینه شد و به دنبال آن، تغییر شدیدی در اقتصاد مدینه صورت گرفت و امور تجاری و صنعتی رو به وخامت نهاد.<sup>۴</sup> اما براساس گزارش منابع تاریخی و برخلاف نظر و تحلیل *ولفسنون*، به نظر می‌رسد اقداماتی که پیامبر ﷺ انجام دادند، در راستای حفظ منافع مسلمانان و مقابله با رفتارهای ناپسند یهود (از جمله رباخواری) در مدینه بود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد یهودیانی که کانون حیات اقتصادی و مالی مدینه بودند، وقتی با افزایش تعداد مهاجرین به مدینه مواجه شدند - که در میان آنان فعالان اقتصادی قریش و ثقیف قرار داشتند - احساس کردند نفوذ خود را از دست می‌دهند و در نتیجه بسیار ترسیدند. همچنین افزایش قدرت جامعه مهاجران و انصار پس از پیروزی نظامی و سیاسی بدر نیز سبب ازدیاد ترس یهود شد.<sup>۵</sup> از سوی دیگر، اقدامات پیامبر ﷺ در رویارویی با یهود، نه در جهت کسب غنیمت و حذف رقیب اقتصادی، بلکه اقدامی در کنار تمام سیاست‌های معمول دولت مدینه برای برقراری حکومت اسلامی و دفع خطرات احتمالی بود.<sup>۶</sup> چنان که بیان شد، مهاجرین و انصار در عرصه تجاری و زراعی موفقیت‌هایی کسب کردند و با انتقال اراضی و اموال

Tāriḥ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh \_\_\_\_\_ Vol.16, No.1, Spring & Summer 2019

۱. ابو عمر ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۲، ص ۸۴۷ البته باید متذکر شد که هر چند عبدالرحمان فردی تاجرپیشه و در زمینه اقتصادی فعال بوده، اما گزارشی که ابن عبدالبر از دارایی عبدالرحمان ارائه می‌کند، مربوط به کل دوران حیات وی بوده که پس از مرگش (سال ۳۱ق) از وی به جای مانده است.
۲. محمد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۱۷.
۳. همان، ص ۱۱۵.
۴. ولفسون، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام، ص ۱۵۲.
۵. ابن ادريس، جامعه مدینه در عصر نبوی، ص ۵۱-۵۲.
۶. احمدرضا خضری و فاطمه احمدوند، یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی، ص ۶۲.

یهودیان به مسلمانان، شرایط اقتصادی مدینه بهبود یافت. در نواحی دیگر همچون خیبر و فدک نیز در زمینه محصولات اراضی به صورت بالمناصفه و تعیین نیمی از محصول به تعامل رسیدند.<sup>۱</sup>

## نتیجه گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که از آغاز ورود مسلمانان به مدینه پس از مسئله تأمین مسکن، رفع مشکلات اقتصادی، به ویژه نیازهای روزانه، از مشکلات فراروی دولت پیامبر ﷺ بود؛ به گونه‌ای که مسلمانان مجبور بودند با کار روزانه در اراضی یهودیان، به دریافت قوت روزانه قناعت کنند یا اینکه جنگ‌افزارهای خود را در قبال دریافت غذا به رهن بگذارند. این شرایط بیادگر وضعیت بغرنج اقتصادی مسلمانان در آن دوره است. از سوی دیگر، یهودیان با بهره‌مندی از معاملات ربوی، مسلمانان را استثمار می‌کردند. از این رو سامان‌دهی مسائل اقتصادی مسلمانان برای اجرای سیاست‌های کلانی که دولت پیامبر ﷺ در پیش گرفته بود، ضروری به نظر می‌رسید؛ چراکه وابستگی اقتصادی به یهودیان پیامدهای جبران‌ناپذیری برای دولت اسلامی داشت؛ دولتی که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی بود و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه، یکی از آرمان‌های آن شمرده می‌شد. بنابراین باید موانع اقتصادی مهمی که یهودیان ایجاد کرده بودند، برداشته می‌شد. پیامبر ﷺ در گام نخست با تشویق انصار و مهاجرین، اراضی بایر را آباد کردند؛ سپس به کاشت درختان مثمر و آزاد کردن و احیای منابع آبی پرداختند؛ به دنبال آن، با ایجاد بازاری مستقل و حاکم کردن قوانین اسلامی بر معاملات تجاری توانستند زمینه خودکفایی اقتصادی مسلمانان را فراهم کنند. تکاپوی مسلمانان و استقلال اقتصادی روزافزون آنها سبب شد تا یهودیان به حسادت و کارشکنی بپردازند.<sup>۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. عبدالملک ابن‌هشام، سیره النبویه، ج ۲، ص ۲۳۱؛ احمدبن علی مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۳۲۵.
۲. با بروز حادثه در بازار بنی‌قینقاع (که زنی مسلمان، به قصد فروش شیر یا خرید زیورآلات به بازار بنی‌قینقاع رفت و زرگری یهودی به او اهانت کرد و او را به سخره گرفت، مسلمانان به پشتیبانی زن، زرگر را کشت و خود نیز به دست دیگر یهودیان کشته شد). روابط پیامبر ﷺ با یهودیان بنی‌قینقاع رو به تیرگی و رویارویی نهاد. به دنبال آن سایر قبایل یهودی از جمله بنی‌نضیر و بنی‌قریظه نیز توطئه، پیمان‌شکنی و همکاری با مشرکان مکه را در سیاست خود گنجانده. همین امر روابط با یهودیان را به تدریج تیره، و در نهایت به اخراج و تبعید بخشی از آنان منجر شد.

## منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
- ابن ادریس، عبدالله عبدالعزیز، *جامعة مدینه در عصر نبوی*، ترجمه شهلا بختیاری، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۹۲.
- ابن ادریس، عبدالله، *مجتمع المدينة فی عهد الرسول*، رساله ماجیستر، ریاض، جامعة الملك سعود، ۱۹۸۱م.
- ابن التجار، محب‌الدین ابوعبدالله، *الدرة التیمة فی أخبار المدينة*، تحقیق حسین محمدعلی شکر، دار الأرقم، بی‌تا.
- ابن جوزی، جمال‌الدین ابوالفرج، *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، تحقیق مهدی عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- ابن حبان، محمد بن احمد، *صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان*، تحقیق شعيب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ق.
- ابن حبيب، ابوجعفر محمد بن، *المنطق فی أخبار قریش*، تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۰۵ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابة فی تمييز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن حنبل الشیبانی، احمد بن محمد، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، تحقیق شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
- ابن رسته، احمد بن عمر، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- ابن سعد، محمد، *الطبقات الكبرى*، ترجمه محمد مهدی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
- ابن شیه، عمر، *تاریخ المدينة المنورة*، تحقیق فهیم محمد شلتوت طبع علی نفقه، جده، السيد حبيب محمود احمد، ۱۳۹۹ق.
- ابن عبدالبر، ابوعمر، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
- ابن عبدالحکم المصری، *سيرة عمر بن عبد العزيز*، تحقیق احمد عبید، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۰۴ق.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، *تاریخ دمشق الكبير*، تحقیق عمرو بن غرافه العمروی، دمشق، دارالفکر للطباعة و المنشور التواریح، ۱۴۱۵ق.
- ابن قیّم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، *احکام أهل النمة*، تحقیق یوسف بن احمد البکری و شاکر بن توفیق العاروری، الدمام، رمادی للنشر، ۱۴۱۸ق.
- ابن قیّم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، *زاد المعاد*، کویت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۵ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- ابن ماجه، ابوعبدالله محمد بن، *سنن ابن ماجه*، تحقیق شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد، محمد کامل قره بللی و عبد اللطیف حرز الله، بی‌جا، دار الرسالة العالمیه، ۱۴۳۰ق.
- ابن هشام، عبدالملک، *السيرة النبویة*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۵.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، تحقیق شعيب الأرنؤوط و محمد کامل قره بللی، بیروت، دار الرسالة العالمیه، ۱۴۳۰ق.
- ابو یعلی، احمد بن علی، *مسند ابی یعلی*، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ق.
- ابی شیبیه، ابوبکر، *المصنف فی الاحادیث و الآثار*، تحقیق کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
- اختر جعفری، سید زهیر، *مناسبات مسلمانان و یهودیان از رحلت پیامبر ﷺ تا سقوط امویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، ۱۳۸۶.
- اصفهانی، ابوالفرج، *الاعغانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحيح البخاری*، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی‌جا، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- برهان‌الدین الیعمری، ابراهیم بن علی، *تبصرة الحکام*، بی‌جا، مکتبه الکلیات الأزهریه، ۱۴۰۶ق.
- بلادری، احمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض الزرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

- ، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۳۷.
- بوصیری، احمد بن ابی بکر بن اسماعیل، *إتحاف الخیرة المهرة*، ریاض، دارالوطن، ۱۴۲۰ق.
- بیومی مهران، محمد، *دراسات فی تاریخ العرب القديم*، بی جا، دارالمعرفة الجامعية، بی تا.
- بیهقی، احمد بن حسین، *معرفة السنین والائثار*، تحقیق عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، دارالوعی، ۱۴۲۴ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی - الجامع الکبیر*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۸م.
- تقوی، هدیه، «شبهه‌های مدیریتی پیامبر ﷺ در همگرا کردن بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۱۳۹۶، سال هشتم، ش ۲۸، ص ۲۶-۷.
- جباری، محمدرضا، «سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم ﷺ»، در: *مجموعه مقالات تاریخ اسلام*، قم، معارف، ۱۳۹۰، ص ۳۱۷-۲۹۷.
- جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- جعفری، یعقوب، *تاریخ اسلام از منظر قرآن*، قم، معارف، ۱۳۹۲.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۲، *سیره رسول خدا*، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲.
- جواد، علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، بی جا، دارالساقی، ۱۴۲۲ق.
- حاکم النیسابوری، ابوعبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- حسن یاسین، خالد عبداللطیف، *موقف الرسول من یهود الحجاز، در اسه تاریخیه منهجیه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، فلسطین، دانشگاه نابلس، ۲۰۰۹م.
- حسینی، سیدمحمد، *سیره اقتصادی رسول خدا ﷺ*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۶۲.
- حلبی، علی بن ابراهیم، *السیره الحلبیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵م.
- حمیدالله، محمد، *رسول اکرم در میدان جنگ*، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، تهران، کتابفروشی محمدی، بی تا.
- خسروجردی، عمار، «بازخوانی اصلاحات پیامبر ﷺ در بازار مدینه»، *مشکوٰه*، ۱۳۹۳، ش ۱۲۴، ص ۹۰-۱۱۱.
- خضری، احمدرضا و فاطمه احمدوند، «یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی»، *مقالات و بررسی‌ها*، ۱۳۸۶، ش ۸۴، ص ۴۷-۶۶.
- الدیار بکری، حسین بن محمد بن حسن، *تاریخ الخمیس فی أحوال أنفیس النقیس*، بیروت، دارصادر، بی تا.
- رحیمی، بدالرفیع و علی غلامی فیروزجائی، «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی - دینی رسول خدا ﷺ در مدینه»، *پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، سال پنجاه و یک، دوره جدید، سال هفتم، ۱۳۹۴، ش ۱۲ (پیاپی ۲۶)، ص ۷۱-۸۸.
- زرگری نژاد، غلامحسین، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- سالم، عبدالعزیز، ۱۳۹۲، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲.
- سمهودی، علی بن عبدالله، *خلاصة الوفا بأخبار دارالمصطفی*، تحقیق محمد الامین محمد محمود احمد الجکینی، طبع علی نفقة السیدحیب محمود احمد، بی تا.
- سهیلی، ابوالقاسم عبدالرحمن، *الروض الأنف فی شرح السیره النبویه*، تحقیق عمر عبدالسلام اسلامی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- سیدنورانی، سیدمحمدرضا و رضا وفاپی یگانه، «فرهنگ کارآفرینی»، *مهندسی فرهنگی*، ۱۳۹۸، ش ۴۶ و ۴۵، ص ۷۵-۶۸.
- الشاشی، ابوسعید، *مسند الشاشی*، محفوظ الرحمن زین الله، المدینة المنورة، مکتبة العلوم والحکم، ۱۴۱۰ق.
- شافعی، محمد بن ادريس، *المسند*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۰ق.
- الشریف، احمدابراهیم، *مکه والمدینة فی الجاهلیة وعهد الرسول*، بیروت، دارالفکر العربی، بی تا.

- شهبلائی، ناصر، «مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح»، *مدیریت نظامی*، ۱۳۸۶، ش ۲۸، ص ۱۰۱-۱۴۰.
- صادقی، مصطفی، *پیامبر و یهود حجاز*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- صالحی شامی، محمدبن یوسف، *سبل الیهدی والرثاد، فی سیرة خیر العباد*، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الأوسط*، تحقیق طارق بن عوض، قاهره، دارالحرمین، بی تا.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج پنجم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
- طرفدار، محسن، *بررسی وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۶۹.
- فیاض، علی اکبر، *تاریخ اسلام*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- قائدان، اصغر، *تاریخ اسلام از میلاد پیامبر ﷺ تا ۴۱ هجری*، تهران، پیام نور، ۱۳۸۹.
- قشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج، *المسند الصحیح*، تحقیق محمدفؤاد عبد الباقي، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- کنانی، عبدالحی، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، *تاریخ نوشته های جغرافیایی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- الکلاعی الحمیری، سلیمان بن موسی، *الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله و التالیة الخلفاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- گرانر، رابرت. ام، *مدیریت استراتژیک با رویکردی امروزی*، تهران، آریانا قلم، ۱۳۹۶.
- مالک بن انس، *موطأ*، تحقیق بشار عواد معروف و محمود خلیل، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ق.
- مقریزی احمدبن علی، *امتاع الأسماع*، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- منتظرالقائم، اصغر، *تاریخ اسلام (تا چهلم هجری)*، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۵.
- نسائی، ابوعبدالرحمن، *السنن الکبری*، تحقیق حسن عبدالمنعم، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
- واقفی، محمدبن عمر، *مغازی (تاریخ جنگ های پیامبر)*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- الوکیل، محمدالسید، *ثوب قبل الإسلام*، جده، دارالمجتمع للنشر و التوزیع، بی تا.
- ولفنسون، *تاریخ الیهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الإسلام*، مصر، مطبعة الاعتماد، ۱۹۲۷.
- یعقوبی، احمدبن واضح، *البلدان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.

*Encyclopedia of the Bible and Its Reception*, vol. 14, Walter de Gruyter, Berlin/ Boston, 2017.

Cohen, Mark R, "Islamic Policy toward Jews from the Prophet Muhammad to the Pact of 'Umar," in *Abdelwahab Meddeb and Benjamin Stora*, eds., *A History of Jewish-Muslim Relations: From the Origins to the Present Day* (Princeton: Princeton University Press, 2013, p. 58-73.

Lecker, Michael, *The assassination of the Jewish merchant Ibn Sunayna according to an authentic family account*, in *Nicolet Boekhoff-van der Voort*, Kees Versteegh and Joas Wagemakers (eds.), *The Transmission and Dynamics of the Textual Sources of Islam: Essays in Honour of Harald Motzki*, Leiden: Brill, 2011 .p 181-95.